



دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۶۱</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۶۱</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۷ شهریور ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۳ شهر ربیع الاول ۱۳۴۸</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشراك داخله ايران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۷ شهریور ماه ۱۳۰۸ * (۲۳ ربیع الاول ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) تصویب مرخصی آقایان اسعد و رحیم زاده - امیر تیمور - پور محسن و علیجان اعظم
- (۳) بقیه شور دوم لایحه تابعیت از ماده ۷
- (۴) ختم جلسه و تعیین موقع و دستور جلسه بعد

مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بزیاست آقای دذگر تشکیل گردید

(۱) تصویب صورت مجلس

صورت مجلس پنجشنبه ۳۱ مرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

* عین مذاکرات مشروح صورت و یکمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثناء مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره آند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین که در ضمن صورت مجلس خوانده شده : غائبین با اجازه - آقایان : مجد ضیائی - رهبری - وهاب زاده - زوار - افسر - آشتیانی - فولادوند - اسدی - آقا زاده سبزواری - فرشی - لرستانی - اورنگ - طباطبائی و کبلی - حاج میرزا سید محمود - بیات - ارباب کیخسرو -

غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسن خان وثوق - دکتر طاهری - پور محسن - بوشهری - آصف - اعظم - دبستانی رحیم زاده - قوام - حاج رحیم آقا قزوینی - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - تیمور تاش -

دیر آمده با اجازه - آقای کاشانی -

دیر آمده گمان بی اجازه - آقایان : مسعود - حکمت -

رئیس - معلوم میشود در صورت مجلس نظری نیست
(گفته شد خبر)
رئیس - صورت مجلس تصویب شد - چند
(۲ - تصویب مرخصی آقایان : اسعد - رحیم -
زاده - امیر تیمور - پور محسن و علیخان اعظم)
فقره خبر از کمیسیون عریض و مرخصی رسیده است
قرائت میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)
خبر راجع بمرخصی آقای محمد تقی خان اسعد :
آقای محمد تقی خان اسعد نماینده محترم بواسطه
اشتغال بخدمات نوعی تقاضای سه روز مرخصی از اول
نبرماه نموده کمیسیون بامرخصی مزبور موافق و خبر آن
را تقدیم میدارد .
رئیس - آقای وثوق
وثوق - موافقم .
رئیس - آقای روحی
روحی - موافقم .
رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - عرضی ندارم چون نه روز است
رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفته شد خبر) موافقین
بامدلول راپرت قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .
خبر مرخصی آقای رحیم زاده :
آقای رحیم زاده نماینده محترم بواسطه کسالت عارضه
و لزوم تغییر آب و هوا تقاضای ۴۵ روز مرخصی از
۱۷ مرداد نموده اند کمیسیون با تصویب مرخصی نماینده
محترم موافق و اینک خبر آن تقدیم میشود
رئیس - آقای وثوق
وثوق - موافقم

خبر آن را تقدیم میدارد .
رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - بنده با کلیه مرخصیها نظر باینکه
استفاده از حقوق میکنند مخالفم و الا اگر از آن حیثش
نباشد و مجلس از اکثریت نیفتد موافقم ولی در این
موضوع امروز میخواهم تشکر بکنم که يك شخصي آمده است
و سه ماه مرخصی میخواهد و تمام حقوق مرخصی خودش را
تخصیص داده است بمریضخانه یا منافع عام المنفعه که در
واقع بفقراء میرسد میخواهم خیلی تشکر و اظهار رضایت
از ایشان بکنم و امیدوارم کار ایشان سر مشق بجهت بنده
و امثال بنده بشود .
رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب میفرمایند
قیام فرمایند .
(جمع کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . لایحه
(۳ - بقیه شور دوم لایحه تابعیت از ماده ۷)
تابعیت شور دوم مطرح است ماده هفت قرائت میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)
ماده ۷ - اشخاصی که تحصیل تابعیت ایران نموده یا
بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است باستثناء
حق رسیدن بمقام وزارت و کفالت وزارت و با هرگونه
مأموریت سیاسی در خارجه بهره مند میشوند لیکن
نمیتوانند بمقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال
از تاریخ صدور سند تابعیت
۱ - عضویت مجالس مقننه
۲ - عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی
۳ - استخدام در وزارت امور خارجه
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه نشریف ندارند
که بگویند فلانکس در کمیسیون گاهی موافقت میکرد .
اما برای استحضار آقایان عرض میکنم در کمیسیون

تبعیتش نسبت بمملکت ثابت شده باشد. در این (ماموریت سیاسی داده نمیشود) خیلی بحث شد که آیا نسبت آن مملکتی که قبلاً این شخص تابع آن بوده است یعنی در آن مملکت ماموریت سیاسی باو داده نشود؟ یا مطلقاً ماموریت سیاسی در هیچ جا باو داده نشود باید در این موضوع بحث بشود. بعضی عقیده شان این بود که فقط نسبت بان مملکتی که قبلاً تبعیت داشته و قطع کرده است ماموریت سیاسی باو داده نشود و بعضی گفتند مطلقاً داده نشود. ولکن بنده «مطلقاً» عقیده ندارم. همین طوری که ما در قانون استفاده اگر نظر آقایان باشد مقام وزارت و کفالت و وکالت و سفرت و وزیر مختاری را در يك رتبه قرار دادیم اما قونسولو و قونسول و ژنرال قونسول و آناشه میلیترو اینها را در آن مقام قرار دادیم. بنده در موقع مهاجرت در آن مسافرتی که کرده بودم دیدم که در بعضی جاها مامورین سیاسی ایران و وزیر مختار و سفیر ایران که خیلی مردمان علاقه مند به مملکت هستند ناچار بوده اند در بعضی جاها بعضی مامورین را از اشخاص خارجه بودند قرار بدهند قونسول ایران بودند ولی تبعه خارجه بودند و باعتبار عاملیت و دانائیشان آنها را قرار داده بودند و کارهای خارجه را با آنها رجوع میکردند. حالا بنده آقای مخیر عرض کرده و توجه آقایان نمایندگان را جلب میکنم ببینم در این موضوع عقیده شان چیست؟ بنده عقیده ام این است که نوشته شود حق رسیدن بمقام وزارت و کفالت و وکالت و وزیر مختاری را ندارند اما نسبت به قنسول و جنرال قنسول و رئیس قنسول یا بعضی ماموریت های تجارتي که در بعضی جاها يك تبعه خارجه را ناچار هستند قرار بدهند در صورتی که ما به تبعه ایران این حق را ندهیم بطریق اولی باو نباید بدهیم و این گمان میکنم از برای حکومت خارجه ما و مامورین خارجه ما یکقدری اسباب اشکال وارد میآورد. مخصوصاً در این وقت که هنوز مارجال کافی زیادی پیدا نکرده ایم برای ادارات دولتی خودمان این است که بعقیده بنده در غالب جاها محتاج میشویم

این يك موضوع. موضوع دوم که در نظر گرفتم این است در جزء سوم نوشته است استخدام دروزارت امور خارجه یعنی پس از ده سال که تبعیتش نسبت به مملکت ثابت شد بمقام عضویت مجالس مقلنه که مجلس شورای ملی و مجلس سنا باشد میتواند تایل شود و انجمنهای ابلتی و ولایتی (مرحوم) که اگر انجمن ابلتی و ولایتی تشکیل شود عضویت پیدا میکند و ماموریت امور خارجه هم پیدا میکند یعنی تا ده سال بگذرد. در وزارت داخله وزارت عدلیه وزارت معارف وزارت جنگ وزارت انجمنهای دیگر میتواند استخدام پیدا کند اما در وزارت امور خارجه باید حتماً ده سال بگذرد و این هم از رتبه ثابتی هست که مدیر کلی بنده عقیده ام این است که در اینجا ما يك همیتی بدهیم و حکومت خارجه ما هم همیت دارد و باید در تحت نظر دقیق قرار بدهیم این را هم قرار بدهیم که از رتبه پنج بالا که رتبه مدیر شعبه است باشد والا ثابتی یا منشی دومی و منشی سومی منشی اولی این چیزی نیست که ما بیائیم او را محروم کنیم خویش از رتبه پنج بالا را قرار بدهیم که از آنجا بعد از پنجسال باشد و لا بعد از آنکه وزارت خانها همه ارتباط دارند و مطابق قانون مسئولیت مشترکه مابین وزراء هست و وزارت خانها بهم دیگر مربوط هستند چطور شد در وزارت جنگ وزارت معارف و سایر وزارت خانها قائل هستیم ما در وزارت امور خارجه قائل نیستیم تا وجود شراکشان حالا که میخواهیم يك تخصیص بدهیم از رتبه پنج بالا را تخصیص بدهیم و لا رتبه ثابتی و منشی گری را بنده مخالف هستم. این يك موضوع بود که توجه آقای مخیر را خواستم جلب کنم. موضوع دیگر که عرض میکنم برای توضیح مطلب است چون در صورت مجلس نوشته میشود از برای اینکه در مقام عمل قانون محل اشتباه نشود زیرا نوشته است اشخاصی که تحصیل تبعیت ایران نموده یا بنمایند (یعنی نموده در سابق و قبل از این قانون) سابقاً مقرراتی دولت ایران داشته است در قبول

تبعیت حالا که این قانون می آید نه این است نه مقرراتی که سابق بوده بهم میزنند و بعد از این مطابق این قانون رفتار خواهد شد پس این نبوده است نظر مقنن این بوده است که و تبعه است. این یکی است و همینطور مقرراتی که نوشته است پس از ده سال از تاریخ صدور سند تبعیت نوشته شود از تاریخ صدور سند تبعیتش که در سابق بوده است و با تبعی که مطابق این قانون است بنده نظرم برای توضیح است که آقای مخیر هم توجه بکنند تا در مقام عمل محل تردد واقع نشود بگویند که سندی نبوده است مطابق این قانون خبر سندی که سبق بوده است و مطابق مقررات سبق صادر شده است این مراد از تاریخ صدور سند تبعیت است از سند سابق است و سند بعد. این یکی یکی هم این است که سند تبعیت در سابق صادر شده است پنجسال گذشته است پنجسال هم در زمان این قانون میباشد آن پنجسال و این پنجسال مدت را تمام میکند این نظر بنده بود که در اینجا عرض کرده حالا به بنیم نظر آقای مخیر چیست؟

مخیر -- آقای آقا سید یعقوب توجه بفرمایند. با اینکه خود آقا در کمیسیون آمده بودند و متوجه بودند که آنچه درجه در این باب در کمیسیون دقت شده است بنده منتظر بودم که آقا باستناد اعتماد برفقی خودشان مفصلاً در این باب مخالفت نکنند اولاً فرمودند که ملیت محقق میشود در صورتیکه نوا با نژاد بشود این حرف صحیح نیست برای اینکه ممکن است يك کسی که ایرانی نباشد یعنی از نژاد ایرانی نباشد تبعیت قبول کند در اینصورت ایرانی است پس آقا فرمودند که ملیت نتیجه توام شدن باهم نژادی است این بنظر بنده صحیح نبوده است هرکس از اتباع خارجه بیاید تبعیت ما را قبول کند ما او را ایرانی میدانیم اما ایرانی نژاد نمیدانیم این است که ملیت تابع هم نژاد بودن نیست. قسمت دیگر خلاصه مخالفت ایشان این است که

محروریت بنحو اطلاق نسبت بماموریت سیاسی در خارجه صحیح نیست بنده عرض میکنم تبعه خارجه که وارد میشود در این مملکت اگر فرض کنیم يك آدم خیلی لایقی است ده میتواند ماموریت های مهمه را انجام بدهد نسبت به این اشخاص در داخله مملکت هم میتوانیم احتیاج داشته باشیم چه ضرورتی دارد که حتماً تخصیص بدهیم که از مامورین سیاسی او استفاده نکنند و خریدن نوجه کردیم صلاحی درجه عمده شان بوده است که امتحان و آزمون بشود و تجربه داشته باشد و پنج سال جزه نمیدهند تا در مقام قطع پس پس اشخاص ماموریت های سیاسی خارجه را بدهیم و رجوع به قسمت سوم که فرمودید چرا پیش از این نسبت تبعیت نداشته باشد نمیتواند داخل خدمت در وزارت امور خارجه بشود این هم جوش این است که دولت برای آزمون و تجربه و امتحان لایقت اشخاص احتیاج کامل دارد. اینکه تجربیاتی پیدا کنند بعد از آنجا رجوع کنند اگر يك کسی آمد در ایران و تبعیت قبول کرد و بالاخره معلوم شد آدم لایقی است ممکن است در عدلیه داخل خدمت شود ولی اصرار اینهاست حتماً در وزارت خارجه هم باشد این چه ضرورت و احتیاجی دارد و تصور میکنم دیگر مطالبی آقا فرموده باشند. قسمتی هم که فرمودند این قانون شامل یعنی مؤثر در اشخاصی که سابقاً تبعیت ایران قبول کرده اند نیست. این را بنده درست نفهمیدم. اگر مقصود این است اشخاصی که سابقاً قبول تبعیت کرده اند و از آن تاریخ تا بحال ده سال گذشته یعنی تبعیتشان بموجب قوانین موجوده در عصر تصدیق شده است و تبعه شناخته شده است و ده سال هم گذشته است البته امروز دیگر نیایستی ده سال ارزش نگذرد تا زاین حقوق بتواند استفاده کند ولی اگر نظر دیگری هست البته باید توضیح داده شود

رئیس -- آقای عدل

یک نفر از نمایندگان - نیستند

رئیس -- آقای باستانی

یاسائی -- موافقم

رئیس -- آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی -- بنده بعضی عرایض داشتم که در ضمن فرمایشات آقای آقا سید یعقوب و آقای مخبر معلوم شد دیگر مجلس را معطل نمیکنم

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خیلی متأسف هستم که آقای شریعت زاده که يك آدم مبرزی است بعرایض بنده توجه نمیفرمایند و اگر يك وقتی صورت مجلس را ملاحظه بفرمایند تصدیق میکنند که بنده چیزی نگفتم که دلیل بر مخالفت باشد. بنده عرض کردم این کسیکه تبعه شده است دارای ملیت و نژاد نیست در این جا اختلافی هست تبعیت را از دو اصل ایجاد کرده اند یکی اصل خون است که گفته اند از این خون باشد بنده گفتم فرق است بین چکیده و چسبیده این معلوم است تبعه نژاد ایران نیست ولی تبعه ایران است ولی موضوع دیگر را هم جواب فرمودند و متأسفانه ما نماینده وزارت خارجه نداریم که در این جا توضیح بدهد که آیا ما اینقدر در خارجه و وزارت امور خارجه مأمور ایرانی داریم که محتاج نباشیم بقنصل تبعه خارجه یا خیر. بنده خودم در اسلامبول دیده ام آقایان هم البته بخارجه رفته اند دیده اند که ناچار هستند چون ندارند ناچارند که قنصل ویس قنصل تبعه خارجه قرار دهند ولی بعد از این دیگر این قانون نخواهد گذاشت. بنده نظرم این بود که همان جور که وزارت و کفالت وزارت را منحصر کردیم سفارت و وزارت مختاری و قنصلگری و ژنرال قنصلگری را هم بعد از تاریخ صدور سند

تبعیت ده سال قرار بدهید نظر بنده توسعه دادن است که گرفتار نشوند میفرمایند اگر همچو کسی باشد برود در وزارت عدلیه. بنده نمیگویم نرودم بنده این را برای توسعه و اینکه دست وزارت امور خارجه باز باشد عرض میکنم حالا دیگر بسته است به نظر آقایان و نظر خود آقای مخبر. در کمیسیون هم عرض کردم در وزارت خارجه و در همه وزارتخانهها رتبه ثابتی و رتبه ۱ - ۲ - ۳ - ۴ هست آنها را معاف کنیم و از رتبه ۵ که رتبه مدیری شعبه است و در واقع وارد در ماهیت حکومت میشود آنچه را میبایم تخصیص بدهیم و لا بعد از صدور سند تبعیت هم منظور که در وزارت داخله میتواند داخل رتبه ثابتی شود در وزارت خارجه هم میتواند بر رتبه ثابتی داخل شود در وزارت خارجه ممنوع باشد این را بنده نگفتم توجه بفرمایند به بنده بنده چه عرض میکنم. عرض میکنم يك مقرراتی ما در سابق داشتیم نه اینکه بگوئیم این قانون آن مقررات را باطل میکند آن مقررات هم منظور صحیح است تا وقتی که این قانون بگذرد و بموقع اجرا بیاید بعد عمل باین قانون شود

مخبر -- بنده در توضیح قسمت اول اظهارات ایشان نظر انتقاد آمیزی نسبت به آقا نداشتم فقط خواستم عرض کنم که تبعیت لازمه اش هم نژاد بودن نیست این اشکالی ندارد خود ایشان هم موافقت قسمت دیگر فرمودند که مجز باشد بر رتبه ثابتی داخل شود. البته آقا از اوضاع اداری مستحضر هستند که اگر دلائلی باشد در وزارت خارجه که بموجب آن دلائل مقتضی نباشد بکارهای بزرگتری برسد همان دلائل در مورد ثبات هم هست و این اساساً يك جهتی داشته است که بنده نخواستم در اینجا بیشتر مباحثه شود و حالا هم عقیده ام این است که آقا هم خوشت موافقت بفرمایند.

رئیس -- آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی -- عرضی ندارم

رئیس -- رأی میگیریم بماده هفتم موافقتین. قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده هشتم قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - درخواست تبعیت باید مستقیماً بابتوسط حکام یا ولات بوزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد

۱ - سواد مصدق سند هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او

۲ - تصدیق نامه نظمیه دائر بتعیین مدت قامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی. باشغل معین برای تأمین معاش. وزارت امور خارجه رسیدی بتعیین تاریخ وصول داده و در صورت لزوم اطلاعات راجعه بشخص تقاضا کننده را تکمیل و آن را به هیئت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تبعیت بدرخواست کننده تسلیم خواهد شد.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- این جا برای خاطر توضیح عرض میکنم که در مقام عمل دچار اشکال نشویم. بن جا نوشته است: دارای منضمات ذیل باشد:

اول سواد مصدق. خواستم به بینم این چه چیز است قانونی ما داریم که معین کرده باشد سواد مصدق کدام است مقصود سواد مصدقی است که در عدلیه میگویند یا در يك وزارتخانه باید باشد و یا با يك امضاء کفایت میکند این را توضیح بدهند دیگر اشکالی ندارم در این باب. موضوع دیگر این بود که خواستم این هم تحت بحث آمده باشد این جا نوشته است سواد مصدق. دیگر مینویسد تصدیقنامه نظمیه. بعد هم نوشته است وزارت خارجه اطلاعات راجعه باور را ضم کند. در صورتیکه اختلاف واقع شود مابین اطلاعاتی که از اداره پلیس میآید با وزارت در این صورت

اینجا نمیدانم حکمش چه چیز است این هم چون عبرت گنگ است و غیر معین ولی چون این حکم را قرار دادیم که هرطوری هیئت وزراء تصمیم اتخاذ کرد هماطور رفتار میشود البته آن اختلاف هم رفع میشود. حالا خواستم به بینم بن جا چه نظری دارند؟

مخبر -- عرض کنم آقا متوجه هستند که سند مربوطه بهویت در عداد اسناد است و هر سندی قبل برداشتن سواد است. اسناد مربوطه به هویت ولی از اداره سجل احول داده میشود اگر آن نباشد از اداره ثبت اسناد اگر آن نباشد از عدلیه اگر آن هم نباشد از دفاتر محاکم عدلیه صادر میکنند و این دیگر اشکالی ندارد مطلب دیگر فرمودند که اگر تلافی و تعارضی بین اطلاعات نظمیه و وزارت خارجه پیدا شود اینجا تشخیص ددیم که هیئت وزراء حق قضاوت دارد و تشخیص میدهد گر اطلاعات نظمیه مرجح باشد آن را ترجیح میدهد و اگر اطلاعات وزارت خارجه مرجح باشد آن را ترجیح میدهد و رأی بقبول یا رد میدهد.

رئیس -- آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی -- بنده از آنچه قبلاً نظرم در قانون گذاری اولاً آسانی آن قانون و نافع بودن آن قانون است عقیده ام این است که در اینجا بجهت اشخصیکه میخواهند قبول تبعیت ایران را بکنند بعضی شرط شده که کان نمیکنم لازم باشد. فرضاً یکی نداشتن سوء سابقه را شرط کرده یکی داشتن مکنت کافی یا يك شغلی که کفایت امرار معاش او را بکند بنده عقیده ام این است که خواست این ماده را اصلاح کنیم و این دو شرط را از آن برداریم که هر کسی بتواند داخل شود چیزی که هست در جواب خواهید فرمود که اشخاص بی سابقه را نمیخواهیم به تبعیت خودمان قبول کنیم یا اشخاص فقیر و بی چیز را در مملکتان داخل کنیم مبادا اسباب زحمت بشوند بنده این را عقیده ندارم در جلسه قبل هم عرض کردم ما بنوع بشر باید مهربان باشیم و هر کسی را

با تعینت خودمان قبول کنیم چیزی که هست در صدد باشیم اگر آنها کار بدی کرده اند کار زشتی کرده اند مثل اینکه از اتباع اصلی خودمان جلوگیری میکنیم از آنها هم بکنیم و نگذاریم مرتکب اعمال سابقه خودشان بشوند و همچنانکه رعابای اصلی خودمان را تحت قید و قانون در می آوریم آنها را هم بهمان نظر در بیآوریم و مجبورشان کنیم در تبعیت ایران و نگذاریم مردمی که ذیل تبعیت ما هستند آنها را قبول نکنند.

مخبر بنظر بنده آقای که میفرمایند در مجلس با حسن نیت بیان مقصود میکنند ولی تطبیق نیت ایشان با مصلحتهایی که در وضع قوانین ضرورت دارد مشکل است. مثلاً میفرمایند داشتن سوء سابقه یا فقر و متنگدی و فقیر بودن نباید مانع باشد. بنده تصور میکنم در تمام ممالک قوانینی که وضع میشود برای این است که جرائم ارتکاب نشود. وقتی که يك كسی بموجب يك سابقه معین شد که این آدم کلاه برداری است يك مملکتی نمیتواند اجازه بدهد که اشخاص کلاه بردار تبعه اش بشوند چرا برای اینکه این عمل عادیست است و لازمه اش این است که يك مقدار کلاه های زیادی در اینجا بردارد آنوقت فایده اش که بردند هیچ ضرر هم برده اند این یکی. دوم این که فرمودید فقر مانع نیست اساساً در قبول تبعیت یا تکثیر نفوس برای این است که عوامل کار ایجاد بشود يك نسبه که میتواند کار کند و کاری ازش بر نیاید که معاش خود را تأمین نماید این يك آدم زائدی است در جامعه و جامعه که احتیاج دارد باصلاح اشخاص و میخواهد عوامل کار تهیه کند و سعی کند وسائل کار را فراهم نماید دیگر چرا از خارج اشخاصی که وسائل کار و معیشت ندارند قبول کند بنظر بنده این اشکال هم وارد نیست.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - رأی میگیریم. ماده موافقین با ماده هشت قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۹ قرائت میشود

(مضمون آتی خوانده شد)

ماده ۹ - زن و اولاد صغیر کسانی که ر طبق این قانون تحصیل تبعیت ایران مینمایند تبعه دولت ایران شناخته میشوند ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تبعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن سن بلوغ (مطابق قانون مملکت متبوع سابق پدر خود) میتوانند اظهاریه کتبی بضمیمه تصدیق مذکور در ماده ۲ وزارت امور خارجه داده و تبعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول نمایند

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - مخالفی نیست؟

یاسائی - اجازه میفرمائید بنده يك توضیحی لازم میدهم.

رئیس - فرمائید

یاسائی - عرض کنم در این جا بنده خواستم عبارتش اصلاح شود این جا نوشته است (از تاریخ رسیدن سن بلوغ مطابق قانون مملکت متبوع سابق پدر خود) قرار دادیم که آن را تبدیل کنند به هیجده سال بنا بر این این عبارت هم باید اصلاح شود

مخبر - صحیح است

رئیس - پیشنهاد هم شده است

یاسائی - بسیار خوب اگر پیشنهاد شده است که هیچ

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده ۹ بطریق ذیل صلاح شود: در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن سن ۱۸ سال تمام میتوانند اظهاریه کتبی وزارت امور خارجه داده و تبعیت مملکت سابق پدر یا شوهر خود را قبول کنند لکن اظهاریه اولاد ذکور باید تصدیق مذکور در ماده دو ضمیمه شود یعقوب الموسوی

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده باقی مخبر عقید خودم را

عرض کردم در آنجا که آقای یاسائی فرمودند همان است که در مواد سابق اظهار کردیم و محتاج نیست ولی در آن قسمت دیگر که مینویسد بضمیمه تصدیق مذکور در ماده دو یعنی دولت متبوعش تصدیق کنند که من تبعیت این شخص را قبول میکنم فلسفه این را آقای وزیر عدلیه اظهار کردند که شاید فراری از نظام باشد چون عنوان نظام در زن نیاید. زنی بوده است و شوهر ایرانی درده است بعد شوهرش مرده است میخواهد برگردد به تبعیت مملکت خودش دیگر در این جا لازم نیست که دولت متبوعش حتماً این تصدیق را بکند. این را با آقای وزیر عدلیه صحبت کردیم و قبول کردند ولی نسبت به ذکور بایستی این ملاحظه قرار بگیرد این بود که بنده این اصلاح را کردم.

مخبر - اجازه میفرمائید بنده این پیشنهاد را يك نگاهي بکنم؟

رئیس - بله. آقای یاسائی

یاسائی - عرایض بنده يك قسمت همان بود که قبول کردند و بکقسمت دیگر راجع است باین عبارت که اینجا نوشته میتوانند اظهاریه کتبی بضمیمه تصدیق مذکور در ماده ۲ وزارت امور خارجه داده و تبعیت پدر یا شوهر را قبول کنند. اگر پیشنهاد آن اینطور است که

فقط راجع زن است که صحیح است (آقا سید یعقوب - بله همینطور است) ولی راجع اولاد این اعتراض وارد نیست همین فلسفه خدمت نظامی در این مورد هم هست که پیشنهاد آن اینطور است بنده هم موافقم.

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم یاسائی - اجازه میفرمائید يك مرتبه دیگر قرائت شود؟

رئیس - (خطاب منشی) يك مرتبه دیگر قرائت بکنید

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مجدداً به ترتیب سابق قرائت شد)

مخبر - این پیشنهاد آقای تأمین نظر حضرتعالی را آقای یاسائی میکنند برای اینکه این پیشنهاد بگوید که باید اظهار نامه وزارت امور خارجه بدهد و بعد از تقدیم آن اظهار نامه تبعه دولت متبوع پدر شوهر است در اینجا بآن کلی يك قبضه ضمیمه شده است که اگر این اظهار نامه از طرف اولاد ذکور داده شود باید تصدیق مذکور در ماده ۲ دو ضمیمه شود

رئیس - پیشنهادی هم شده است که بجای کلمه بلوغ هیجده سال نوشته شود

(آقای مؤید حمد ماشی پیشنهاد مزبور را بدین مضمون قرائت نمودند)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی بنده در ماده ۹ پیشنهاد میکنم بجای مطلق قانون مملکت متبوعه سابق پدر خود نوشته شود: هیجده سال مؤید احمدی

مؤید احمدی - نظریه بنده تأمین شده است دیگر لازم نیست

رئیس - آقایانی که با ماده ۹ با اصلاحی که از طرف آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد شده است و آقای مخبر قبول کردند موافقت میکنند قیام بفرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت میشود.

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده دهم - تحصیل تابعیت ایرانی پدر بهیچوجه در باره اولاد او که در تاریخ تقاضا نامه مطابق قوانین مملکت متبوع خود کبیر بودند مؤثر نمیباشد

رئیس - نظری نیست در این ماده ؟

آقا سید یعقوب - چرا اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - در اینجا هم گمان میکنم بجای آن عبارت مطابق قوانین مملکت متبوع خود کبیر بودن باید بسن هیجده سال نوشته شود چون همه يك نسق است. پیشنهاد هم میکنم

رئیس آقای یاسائی

یاسائی - بنده خیال میکنم این مورد غیر از سایر موارد است گفته میشود شخصی که تابعیت يك دولتی را قبول میکنند تأثیر در اولاد او ندارد. در اینجا نمیشود نظریه سن اولاد را مدخلیت داد بالاخره در هر مملکتی که هست اگر تابعیت پدر او قبول شد تابعیت پدرش تأثیری در اولاد ندارد و سن بلوغی که در آن مملکت هست باید آنرا در نظر گرفت

مخبر - بنظر بنده باید این عبارت اصلاح شود برای اینکه ما بطور کلی واصل سن هیجده سال را مناط قرار دادیم و تحصیل تبعیت ایرانی در باره اولاد مؤثر نیست تا وقتی که بسن هیجده سالگی رسیده ولی وقتی که بسن هیجده سالگی رسید آنوقت با اختیار خودش اگر تبعیت ایران را قبول کند قبول خواهد شد و هیچ مانعی نیست. (خطاب با آقای آقا سید یعقوب)

پیشنهاد بفرمائید

آقا سید یعقوب - بلی. پیشنهاد شده است.

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بدین نهج قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عوض کلمه مطابق الی آخر نوشته شود هیجده سال تمام.

مخبر - موافقت میکنم.

دشتی - بنده مخالفم

رئیس - عضو کمیسیون عدلیه هستید؟ بنظر من نظر آقای یاسائی تأمین نشده است.

یاسائی - آقای مخبر که اظهار موافقت کردند. حالا خودش يك ماده مستقل است که غیر از اعضاء کمیسیون دیگران هم میتوانند مخالفت کنند.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید بنده توضیح بدهم ؟

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای یاسائی توجه بفرمائید ما

آمدیم در اینجا در شور اول راجع باین کلمه يك عبارتی در مجلس گفته شد مخصوصاً آن عبارتی که آقای فیروز آبادی اظهار کردند و آقای شریعت زاده در کمیسیون توضیح دادند که ما باید نسبت به بلوغ در قانون خودمان يك اصلی را اتخاذ بکنیم قانون اساسی ما این مسئله را مسلم کرده است و مشروطیت ما اصلش قانون اساسی است يك اصولی که در قانون اساسی مؤسس شده است دیگر ما نباید هرروز بیائیم باین قانون دیگر يك جور دیگرش کنیم اینجا قانون مملکتی ما در مقام امور سیاسی تصریح کرده است اصل را هیجده سال اینجا هم همان است آقای یاسائی. در ایران آمده است و تحصیل تابعیت ایرانی کرده است

یاسائی - ممکن است در فرانسه باشد.

آقا سید یعقوب - باشد در فرانسه هم تبعه ایران

که شد سن بلوغ ایران هیجده سال است بنده میگویم همین شخص که در پاریس تبعه ایران شده است تبعه

ایران که واقع شده است قانون ایران بر او حکومت میکند قانون ایران میگوید سن رشد سیاسی هیجده سال است، نسبت بخودش، نسبت باولاد و تمام فامیلش، پس ما نمی توانیم نسبت باین کسی که تبعه ایران است قانون فرانسه را در باره اش اجرا کنیم ما آمدیم معین کردیم که سن بلوغ سیاسی مملکت ایران هیجده سال است چه نژاد ایرانی باشد چه تبعه ایران شده باشد پس همانجوری که در مواد دیگر قبول کردید اینجا هم باید رعایت کنید چه در ایران باشد چه در فرانسه باشد پس همینطوریکه در پیشنهاد نوشته شده است شما هم قبول کنید.

رئیس - (خطاب با آقای مخبر) نظر شما همانست که فرمودید ؟

مخبر - بنده لازم میدانم يك توضیحی برای اقناع آقایان عرض کنم در ماده ۴ تصریح شد که کسی که تقاضا دارد به تبعیت ایران قبول شود باید بسن هیجده سال تمام رسیده باشد این يك اصلی است پس هر تبعه خارجه که سنش به هیجده سال رسیده باشد از دولت ایران تقاضای تابعیت کند در صورتیکه شرایط دیگر درش وجود داشته باشد این تقاضایش قبول میشود این جا نوشته شده بود سن بلوغ مملکت متبوع خود یعنی در خبری که تقدیم شده اینطور بود ولی در شوری که در مجلس شد معلوم شد و آقای وزیر عدلیه هم موافقت کردند که سن هیجده سال که رشد سیاسی ایران است در تمام مواد رعایت شود حالا آقا نظرتان چه چیز است؟ اگر نظرتان این است که باید مناط اعتبار قانون مملکت متبوع پدر آن صغیر باشد بنده این را صحیح نمیدانم چون پدرش که قبول تبعیت ایران را کرده است بچه اش وقتی که بسن هیجده سال رسیدا برگردد من میخواهم تبعیت ایران را قبول کنم و تقاضا کرد مشمول ماده چهارم است و قبولش میکنند پس آقا که نظر دارند تبعیت این شخص وقتی قبول شود که بسن بلوغ مملکت خودش رسیده باشد در اینجا تنافی

و تعارض با آن ماده اصلی پیدا میشود
رئیس - پیشنهادی از آقای یاسائی رسیده است قرائت میشود
(باین نحو قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس

بنده پیشنهاد میکنم باصل ماده دهم رأی گرفته شود
رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده اصراری در پیشنهاد خودم ندارم ولی قضیه مورد بحث واقع شود البته بهتر است بنده هم این پیشنهاد را از این نقطه نظر کردم ما اگر کفایت تحصیل تابعیت بکنفر خارجی تأثیری در اولادش در سن صباوت ندارد بنظر بنده بهتر است اگر ما تحدید کنیم سن معینی بضرمان تمام میشود فرض کنید يك تبعه فرانسوی که فرضاً بیست و یکسال را سن بلوغ میدانند برای پدرش مطابق قانون مملکت پدرش بیست و یکسال مقرر است که بالغ شود تا بسن بیست و یکسال نرسیده صغیر است و اگر سن هیجده سال را قرار دادند سنی است که صغیر او تمام میشود زود تر او کبیر میشود و زود تر او از تبعیت ما خارج میشود ولی اگر این اصل را که اولاد در تابعیت تابع پدرش است قبول ندارید این مسئله دیگر است این را که ما قبلاً گفتیم که صغیر در تابعیت تابع پدرش است این وقتی مسلم شد صغیر فرانسوی که بیست و یکساله کبیر میشود چرا سنش را بیاوریم پانزده یا هجده سال فرض کنید در سوئد که بیست و سه سال سن بلوغ است چرا ما بیائیم پنجاه سال کم کنیم؟ اینجا با آنجا فرق دارد معذرت میگویم که ما قبلاً اگر بنده اشتباه بکنم پیشنهادم را استرداد میکنم

مخبر - البته بنده تصدیق میکنم نظر آقای دشتی و آقای یاسائی راجع باین موضوع اساساً قابل ملاحظه است از نقطه نظر موازین و اصول ولی مطالباتی که در کمیسیون شد منتهی باین شد که اصول معتبره در يك

ملکیتی راجع بصغر بهیچوجه نباید مانع بشود که دروضع قانون مراعات سن رشد سیاسی را در مملکت خودش نکند پس بن اصل اساساً يك اصل محترمی است و باید تحت نظر گرفت فقط آقای یاسائی متوجه يك نکته دقیقى شدند و ز این حیث بنده تقدیر میکنم ولی اگر بیشتر دقت شود معلوم میشود که این يك تفاوت بی اثری است زیرا اگر ما فرض بکنیم که تا سن بیست و يك سالگی يك کسی صغیر است آنوقت اهلیت هیچ کاری را ندارد چون ما تصدیق صغرش را میکنیم که تبعیت او برای ما مفید فائده باشد پس خود این مطلب موجه فائده نیست و بعلاوه ضرری هم ما نمیبریم برعکس از آنطرف عدّه اشخاصی که بسن هیچوجه رسیده اند و شاید دایل به تبعیت ما باشند که ممکن است از وجود آنها بیشتر استفاده بشود در همان مدت بن هیچوجه تا بیست و يك زید است این است که بنظر بنده اگر ما دوستون حساب باز کنیم قبول سن مربوط برسد سیاسی ایران بهتر و مناسب تر است و بنده از نماینده محترم استدعا میکنم که این پیشنهادشان را مسترد بدارند برای اینکه بن ماده علاوه بر آنکه این صلاح بایددرش بشود اصلاحات دیگری دارد که بنده از خود آقا خواهش کردم که يك پیشنهادی بدهند نمیدانم چه شد .

آقا سید یعقوب -- آن راجع بماده بازده است . یاسائی - بنده پیشنهاد مرا استرداد میکنم ولی گمان میکنم که يك پیشنهادی شده است که این ماده بماند تا با حضور خود دولت مطرح شود .

دشتی - بنده این پیشنهاد آقای یاسائی را قبول میکنم رئیس -- اجازه میفرمائید این ماده بماند برای بعد روحی - اجازه میفرمائید؟ بنده مخالفم

رئیس - این راه حلش این است که آقای مخبر این ماده را اگر صلاح میدانند مسترد کنند فهیمی - بنده پیشنهاد کرده ام

یاسائی - پیشنهاد آقای فهیمی قرائت شود .

مخبر - قرائت شود .

رئیس - پیشنهادی نداده اند .

فهیمی - چرا .

(پیشنهاد آقای فهیمی بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ده عجزاً مسکوت عنه بماند

تا در کمیسیون تجدید نظر شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - خطاب با آقای فهیمی بفرمائید

فهیمی - اگرچه توضیح زده ام نمی خواهد ولی همانطور

که آقایان محترم فرمودند مخصوصاً آقای مخبر هم تصریح کردند

این ماده خیلی محل مطالعه و دقت است زیرا مورد مورد

تصادف و تضاد بین قانون مهم دو مملکت است یکی مملکت

ایران یکی مملکت کسی که تبعیت دولت ایران را میخواهد قبول

کند و پسرش هموز بسن رشد مطابق قانون همین مملکت ترسیده

است پس بن موضوع ساده نیست و باید خیلی در اطرافش

مطالعه بشود و چون مذاکره هم طول میکشد بهتر این

است ماده مسکوت عنه بماند و برود بکمیسیون صادر

آنجا تجدید نظر شود و يك رایورت جامعهی برای این

ماده ترتیب بدهند .

مخبر -- عرض میکنم البته نظر نظر آقایان نمایندگان

است که بحث در این ماده میکنند با آن در بتأخیر

ببندارند ولی بنظر بنده بهتر این است که پیشنهادی

که میشود مستند يك دلیلی باشد که اگر قائم شود

بنظر موجه بیايد این جا گفته میشود که باید سن

بلوغ مملکت سابق آن شخص مراعات شود بنده عرض

می کنم که هیچ دلیلی برای تأمین این نظر وجود ندارد

زیرا اگر آن شخص را آن دولت صغیر حساب کنند

تبعه ایران است اگر ما صغیر حسابش بکنیم و تبعیت

او را تصدیق کنیم این هم اشکالی ندارد در هر صورت

نه از نقطه نظر اصول و نه از نظر قانون گذاری اشکالی ندارد

رئیس - رأی سکوت غالباً برای بنده نظری است و در این موضوع محل اشکال است چون نظامنامه برای رأی سکوت میگوید رأی سکوت را باید در مورد نتیجه گرفت و حالا بنده نمی دانم که در اینجا میشود برای يك ماده رأی ساکت گرفت ؟ . . .

دشتی - بنده تقاضای ارجاع بکمیسیون میکنم

رئیس - چون نظر تسهیل امر است خوب است

آقای مخبر ارجاع بکمیسیون را قبول بفرمائید

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

مخبر -- چون بنده اینطور استنباط کرده ام که

آقایان مایل هستند در این باب با وزیر مسئول

مذاکره کنند و بیشتر مطالعه بفرمایند بنده موافقت می کنم

که عجزاً شور در این ماده بماند و بمواد دیگر بپردازیم

تا با وزیر صحبت بکنند . . .

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود . . .

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟ این مطلب

سابقه ندارد . . .

طباطبائی دیبا - این برخلاف نظامنامه است .

رئیس - خیر مانعی ندارد و از طرف مخبر هر وقت

استرداد ماده ممکن است تقاضا شود این خیلی آسان است

و مانعی هم ندارد . میل دارید تصریح بفرمائید ؟

آقا سید یعقوب - آقای مخبر شما ارجاع بکمیسیون

را قبول کردید ؟

مخبر - عرض کنم که پیشنهادی برای ارجاع بکمیسیون

نشده است اگر تقاضای ارجاع بکمیسیون بشود بنده مخالفتی ندارم .

عدّه از نمایندگان - صحیح است

رئیس -- ماده یازدهم قرائت میشود .

(این قسم قرائت شد)

ماده ۱۱ - زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج

برانی میشود میتواند بعد از تفریق یا فوت شوهر ایرانی بتابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی تواند ماده که اولاد و بسن بیست سال تمام رسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه میشود مطلقاً حق داشتن مول غیر منقول نخواهد داشت ولی بنسکه حق مزبور بتبعه خارجه داده شده باشد هر گاه قبلاً داری مول غیر منقول بوده و یا بعداً در وقت مول غیر منقولی بر زمین بیاید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تبعیت ایران دارا شدن ملک در امور ارت آذربایجانی از نجباء بتبعه ایران منتقل کند و لا احوال مزبور بنظرت مدعی اعموه محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت بآنها داده خواهد شد .

رئیس - آقای دشتی

دشتی -- در این ماده بنده دو نظر دارم یکی اینکه

زن غیر ایرانی که اولاد دارد حق داده میشود که

تابعیت اولیه خودش را قبول کند (پس از فوت شوهر

ایرانیس) ولی اگر بجهایش بیست ساله نشده باشند

نمی توانند بنده هیچ فلسفه و مقصود این شرط را

نفهمیدم که چه چیز است این زن که خودش بالغه است

و میتواند به تبعیت خودش برگردد دیگر ما نباید آزادی

افراد مردم را محدود بکنیم . یکی دیگر اینکه این جا

مینویسد : اولاد او بسن بیست سال تمام این جا هم عرض

میکنم سن بلوغ مملکت ما هیجده سال است و در يك

ماده دیگر هیجده سالگی را سن بلوغ قرار دادیم ولی

این جا سن رشد را بیست سال قرار داده است . . .

آقا سید یعقوب - این ایراد درست است بنده

پیشنهاد کردم .

دشتی - در صورتیکه بلوغ سیاسی را ما هیجده سالگی

قرار داده ایم. مسئله دیگری که بآن اعتراض دارم این است که يك زنی که تبعیت اولیسه خودش را قبول می کند در ماده مینویسد که این زن دیگر حق داشتن اموال غیر منقول را نخواهد داشت ولو اینکه این حق را سابقاً اتباع خارجی داشته باشند این را هم بنده نفهمیدم چرا. در صورتیکه این زن برگردد به تبعیت سابق خودش آنوقت مثل سابق اتباع خارجی خواهد شد و چرا آنها استفاده نکنند و این شخص نکند؟! این چه اختصاصی است؟ برای این است که این زن يك مدتی ایرانی بوده است؟؟ برای این حق را از او سلب میکنند؟؟ این چیز عجیبی است و حال آنکه باید برعکس باشد.

مخبر - البته آقا در نظر دارند قانونی که وضع میشود واضح باید در موقع وضع آن مراعات جهات مختلفه را انجامید. از آنجمله در موقع قانون تبعیت مقنن باید فکر کند که اگر يك نفر ایرانی آمد و زن خارجی اختیار کرد بعد هم فوت نمود نسبت با اولاد او چه نظری باید اتخاذ شود. مقنن تشخیص میدهد که مادر از همه کس با اولاد نزدیکتر است از حیث پرستاری و تربیت از همه حیث لیاقت و صلاحیت او بیشتر است باین جهت قانون گذاران زن را الزام میکنند که باید تا فلان سن قبول تبعیت دیگر را نکند حالا میفرمائید این چه تحدیدی است که میشود بنده عرض میکنم که این تحدید خیلی مفید است و هیچ مانع اصولی هم ندارد زیرا آن زن خارجی که میباید ازدواج با مرد ایرانی را قبول میکند مطابق قانون او و با علم بقوانین آن مرد قبول میکند ازدواج میکند بنابراین آزادی آن زن در اینجا نقض نشده است و خود او قبول کرده است. نسبت بقسمت دیگر بیانات نماینده محترم پیشنهادی شده است که نظریه ایشان را تأمین میکند

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم موافقم. مخالفی ندارد

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود

(پیشنهاد آقای یاسائی این قسم قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - بنده اصلاح ذیل را در قسمت اخیر ماده یازدهم پیشنهاد میکنم که در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجی میشود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر در حدودیکه این حق باتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقولی بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده و یا بعداً با اموال غیر منقولی بیش از آن حد او برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملك در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل نفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آنها داده خواهد شد.

یاسائی - بنده توضیح زیادی ندارم بنده خواستم

تأمین بکم قسمت اخیر فرمایشات آقای دشتی را که فرمودند این قسمت از ماده یازدهم تحدید میکند زنهایی را که با ازدواج ایرانیها در آمده باشند و بواسطه فوت شوهر از تبعیت ایران خارج شوند - این پیشنهاد بنده روی همین نظریه تهیه شده و این تضییق را مرتفع میکند و يك ارفقی است نسبت بآنها از نقطه نظر تملك نسبت با اموال غیر منقوله تا مقدار و حد معینی که اتباع خارجه بموجب عهود و قراردادها میتوانند داشته باشند حالا بسته است بنظر آقایان نمایندگان و مخبر محترم.

مخبر - بنده با این ماده موافقت میکنم زیرا که در نتیجه يك مذاکره و شوری تنظیم شده و صحیح هم هست.

آقا سید یعقوب - آنجا آقای یاسائی گمان میکنم قبول کنند که بجای والا اموال مزبور نوشته شود: زیادتی یا مازاد اموال مزبور

ضیاء - بی مازاد باید نوشت

یاسائی - بی مازاد است

رئیس - یکبار دیگر قرائت میشود.

(این قسم قرائت شد)

در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجی می شود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق باتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقولی بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده و یا بعداً با اموال غیر منقولی بیش از آن حد او برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تبعیت ایران یا دارا شدن ملك در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند (صحیح است) و الا اموال مزبور ...

آقا سید یعقوب - همین جا همین جا باید مازاد نوشته شود بجای و الا اموال مزبور

عده از نمایندگان - خیر. مازاد جلوتر بود عبارت پیشنهاد صحیح است

مخبر - آقای آقا سید یعقوب اگر بخواهند بعنوان تذکر فرمایشی بفرمایند اشکالی ندارد ولی اگر نخواهند بگویند که این عبارت یعنی قسمت اخیر ماده ناظر بفروش تمام اموال است این طور نیست هم از عبارت قبل و هم از مواد قبل مستفاد می شود که مازاد بفروش میرسد و اشکال آقایی مورد است. (صحیح است)

رئیس - دو پیشنهاد از آقای دشتی و آقا سید یعقوب رسیده است که بنظر بنده هر دو یکی است. قرائت میشود:

(هر دو پیشنهاد این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که جمله اولاد به بیست سال تمام نرسند مبطل شود به ۱۸ - دشتی

در ماده ۱۱ پیشنهاد میکنم عوض کلمه سن بیست

سال نوشته شود ۱۸ سال تمام - یعقوب موسوی

مخبر - بنده موافق هستم با تبدیل بیست به بیست و پنج

رئیس - رای میگیریم ماده یازدهم با افزایش صلاحی که از طرف آقای یاسائی پیشنهاد شد و آقای مخبر قبول کردند و تبدیل مدت بیست به بیست و پنج موافقین قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوازدهم

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۲ - زن ایرانی که تبعه خارجه من زوجت می نماید بتبعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر آنکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج بزوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و با تفریق بصرف تقدیم در خواست وزارت امور خارجه بانضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و بدست تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه بآن مجدداً او تعلق خواهد گرفت

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در این ماده مخالفتی ندارم مگر در آن استثنایش که میگوید مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج بزوجه تحمیل شود. بنده عرض میکنم که گمان میکنم ما مجبور باشیم قانون مملکت او را مراعات کنیم ما باید زن ایرانی که بزوجیت خارجی داخل میشود ایرانی بدانیم چه اینکه مملکت شوهر تابعیت زوج را بزوجه تحمیل نکند یا نکند ما قانون برای مملکت خودمان میگذرانیم و بصلاح خودمان مشی میکنیم حالا یا خارجه قبول میکند یا نمیکند در هر حال ما مجبور برعایت قانون مملکت او نیستیم و لازم نیست که منفعت غیر را در این مورد قبول کنیم. باین ملاحظه بنده با این قسمت از ماده مخالفم.

مخبر - موافقت با این ماده مقتضی يك مقدماتی است

که بنده اجمالا عرض میکنم . مطابق قوانین و اصول حقوق بین الملل اگر قوانینی راجع به تحصیل تبعیت يك مملکتی در نتیجه ازدواج موجود باشد آن قوانین در همه جا محترم است . منتهی معامله متقابله میشود یعنی همانطوری که در آن مملکت بيك کسی تحصیل میشود اینجا هم اگر شد همانطور رفتار و معامله متقابله میشود و اگر اینطور نباشد مشکلاتی پیش میآید . و هرگاه تصور بفرمائید که خدای نخواستہ ضروری از این جهت متوجه مملکت بشود نمیشود و معامله متقابله است زیرا اصل این است که وقتی يك ازدواجی واقع میشود روی صدقت و اصلاح واقع میشود و اگر افتراق و تفریق هم واقع شود که آنوقت خودش تبعه ابران میشود و حمایت ازش میشود شکلی هم ندارد .

رئیس - دیگر مخالفی ندارد ؟
(گفته شد خیر)

رئیس - رای میگیریم بپاره دوازدهم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد . ماده سیزدهم :

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۳ - اتباع ایران نمی توانند تبعیت خود را ترك کنند مگر بشرايط ذیل :

۱ - سن بدست سال تمام رسیده باشند ۲ - هیئت وزراء خروج از تابعیت آنها را اجازه دهد ۳ - قبلا تعهد نمایند که در ظرف یکسال از تاریخ ترك تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقوله که در ایران دارا میباشد و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ابران اجازه تملك آن را بانابع خارجه بدهد بنحوی از انحاء بانابع ایرانی منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که برطبق این ماده ترك تابعیت مینماید اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی

مخبر - شریف در مهلت دیگر هم بنظر بنده
رئیس - آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء - روی هم افتد وقت سیاسی این ماده مثلا این سال است که ترك تبعیت جز در تصویب هیئت وزراء صورت نگیرد بطوری که در این عطف بر پیش از صلاحیت هیئت وزراء است و اگر چه آنچه آقای مخبر توضیحی فرمودند را قبول میکنم هم موافقت نمیکنم که روی همین نظر تطبیق پیش از بیرون آمدن فقط بکنند و علاوه بر تصویب هیئت وزراء تصویب بيك ماده صلاحیت دار دیگری را هم در نظر بگیرند که آن نظر تطبیق بیشتر و بهتر رعایت بشود در موقع ترك تبعیت ابران . این نظر بنده بهتر است

مخبر - بنظر بنده موافق اصول مشروطیت عالیترین مقدمه مسئول در مقابل مجلس نوری ولی هیئت وزراء است (صحیح است) علاوه معتقد هستم وقتی که نماینده محترم گفتند بيك مقدمه دیگری خوب بود شاره میفرمودند که آن مقام چه مقامی است ؟ آن مقام مجلس است بی مقدمه مانع سلطنت ؟ در هر صورت این مطلبی را که ایشان می فرمایند سابقه در هیچ جا ندارد و مناسب هم نیست و نمیشود گفت که هیئت وزراء برای این کار کوچک است خبیر . هیئت وزراء خیلی اهمیت دارد و این کار هم خیلی مهم است

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - مخالفی نیست ؟

آقا سید یعقوب - بنده بيك عرضی داشتم

رئیس - بفرمائید .

آقا سید یعقوب - اگر چه بنده خودم عضو کمیسیون

عدلیه هستم ولی حالا بيك نظری برابم پیدا شد و آن

این است که من چه در ماده دوازدهم است : (خوب است آقای مخبر توجه فرمایند)

۲ - هیئت وزراء خروج از تابعیت آنها را اجازه دهد . در آخر ماده مینویسد : در قسمتهای اول و دوم و سوم و چهارم : مگر این که اجازه هیئت وزراء باشد . هر چند این را بنده نمیدانم چه چیزی است . و تعجب میکنم هیئت وزراء نسبت شخصی که میخواهند تبعیت خارج شود در آن ترتیبات و شرایط سخت گیری میکنند کاملا هم سختگیری میکنند ولی چطور ما بیژیه و حالا مطلقا اجازه بدهیم که هیئت وزراء نسبت بخودش هیچ رلی نسبت بولاد و صغرش هم حاکم باشد بنده این را عقیده ندارم که بخیر از خودش که مراد سیاسی است (بعد هم مؤمن میشود ها شکیبای شود اینرا بشنید) مراد سیاسی دفع شده است غیر از این مراد سیاسی را هیئت وزراء حق نداشته شد حکم بدهد که شامل ولاد و صغرش هم بشود و فقط راجع بخودش باشد ولی نسبت بولادش بنده نمیتوانم چنین حقی را مطلقا قبول کنم .

مخبر - عرض کنم که بنظر بنده این ماده در معنی مؤید آن نظری است که خود آقای نماینده محترم دارند یعنی تبعیت پدر ظاهرأ اقتضا میکند که نسبت بولاد صغیر هم مؤثر باشد چنانچه درموه قبلا تصریح شده است و اینرا این مطلق این قضاة قضی باید که گفته شود این حکم نسبت بولاد صغیر او مؤثر است ولی اینجا ما این نظر را در این ماده منع کردیم و گفتیم مگر اینکه هیئت وزراء اجازه بدهد یعنی حکم فقط راجع بخود او است مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل ولاد او بشود . اما اینکه جنابعالی تعجب کردید از فرض این قضیه بنظر بنده هیچ این فرض قابل تعجب نیست همین که میفرمائید بيك ایرانی که ترك تبعیتش ممکن التصویب است و این بيك فرضی است (امروز هم بيك موردی شده است که بيك همچو انقزی بیفتد) فرضی هم هست که کسی از تبعیت ایرانی خارج

(۴ - ختم جلسه و موقع دستور جلسه بعد)
 رئیس -- چند نفر از آقایان تقاضا میکنند قبل از
 اینکه رأی باین ماده بگیریم برای اینکه خودشان را
 محتاج بمطالعانی در این ماده میدانند جلسه را ختم
 کنیم بنا بر این اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه را
 ختم میکنیم .

عده از نمایندگان - صحیح است مخالفی ندارد
 رئیس - جلسه آینده روز پنجشنبه چهاردهم شهریور
 سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه مذاکرات در قانون
 نابعیت .

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

شود و تبعیت او هم مؤثر در تبعیت اولاد کبیر و صغیرش
 نباشد و حتی مطابق این ماده حق ولایت شرعی هم نسبت
 باولاد صغیرش پیدا نمی کند

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید ؟

رئیس -- پیشنهادات قرائت میشود و گمان میکنم
 پیشنهادات هم مؤید بیانات آقای آقا سید یعقوب است
 (این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که سن بیست سال در این ماده به
 هیجده سال تبدیل شود . روحی

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ عوض بیست سال هیجده
 سال تمام نوشته شود . یعقوب الموسوی

رئیس -- نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر - بنده با این پیشنهاد موافقم